

## شهر پس از اشغال

۱۳ تیر ۱۳۹۵ ساعت ۱۱:۵۸

به موجب یک خبر خصوصی که به اداره [روزنامه] رسید، پریروز قبل از ظهر میرزا ابوالقاسم خان درب دکان نانوائی جنب انبار گندم یک سینی مس را غفلتاً از در دکان نانوائی برداشته رو به فرار می‌گذارد، آژان پست او را دستگیر و پس از استرداد سینی جلب به کمیسری می‌نمایند، مشارالیه در ضمن استنطاق خود اقرار به دزدی‌های مهم می‌کند.

## جوان و تاریخ- کشکول

خبر زیر که توسط روزنامه نوبهار منتشر شد عمق فاجعه و رقت و دهشت گرسنگی را در مرکز سیاستگذاری کشور نشان می‌دهد: به موجب یک خبر خصوصی که به اداره [روزنامه] رسید، پریروز قبل از ظهر میرزا ابوالقاسم خان درب دکان نانوائی جنب انبار گندم یک سینی مس را غفلتاً از در دکان نانوائی برداشته رو به فرار می‌گذارد، آژان پست او را دستگیر و پس از استرداد سینی جلب به کمیسری می‌نمایند، مشارالیه در ضمن استنطاق خود اقرار به دزدی‌های مهم می‌کند. لذا کمیسری ده نفر آژان با یک صاحب‌منصب برای تفتیش به خانه مشارالیه می‌فرستند، پس از ورود اشاره به گوشه اطاق کرده آژان وارد اطاق شده لحاف مندرسی را که در گوشه اطاق بوده بلند می‌نمایند می‌بیند یک پسر و یک دختر کوچک از گرسنگی مرده و عیال مشارالیه هم در گوشه دیگر اطاق به واسطه گرسنگی در حال نزع است! »

در تهران اجساد روی زمین می‌ماند و کسی نبود حتی آنها را دفن کند، غیر از مسائل ریز و درشت فراوان این موضوع در بحران‌های مشروطه و ظهور و سقوط پی در پی کابینه‌ها ریشه داشت «که نه تنها زندگان را بی‌تکلیف گذارده بلکه اموات را هم دچار محذور و بی‌تکلیفی نموده است!» در برخی موارد مدارس تهران به دلیل شیوع بیماری‌های کشنده و واگیردار تعطیل شدند. تعداد زیادی از معمرین قوم به مرض اسهال مردند، یکی از آنان سیدحسین اردبیلی بود که مواضع او در دوره دوم مشروطه نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری تنش‌های ایدئولوژیک بین مشروطه‌خواهان ایفا کرد، «۴» اردبیلی در تاریخ نوزدهم رمضان سال ۱۳۳۶ به مرض اسهال در تهران درگذشت. «فوت‌های اسهالی» یا همان وبا، وحشتی بین رجال تهران برانگیخت، بسیاری تصمیم گرفتند از خوردن میوه اجتناب نمایند. در اغلب شهرهای ایران وبا و حصبه بیداد می‌کرد، «حصبه که جزو اعضا رئیسه خانواده‌ها شده، نه زمستان دست برمی‌دارد نه تابستان و از قرار شرحی که در روزنامه نوشته بود دو کرور آدم از این امراض تلف در ایران شده است که اگر همان دوازده قران خرج دفن این اموات بی‌صاحب را که دولت می‌دهد در اول وهله خرج جلوگیری از این امراض شده بود آن قدر آدم تلف نمی‌شد... اغلب خانواده‌ها به قدری پول دوا و حق‌القدم طبیب داده‌اند که دیگر نان شب و یک اسباب ندارند، فنای محض شده‌اند و گدایی باید بکنند.» «بالاخره مردم تهران از شدت گرسنگی در مسجد شاه تحصن اختیار کردند. به

واقع علت تحصن همین امر یعنی گرسنگی بود اما به سرعت به مسائل دیگر تغییر یافت. عین السلطنه نوشت: «اما این گرسنه‌ها که برای نان متحصن شده بودند این همه پلو گوشت، حلوا، شیرینی، قند، چای را از کجا آوردند. معلوم است که از همان جا که همیشه بلاهای ایران نازل می‌شود که اسمش سفارت سنیه انگلیس است.» «متحصنین به اشاره توطئه‌گران تجمع کرده بودند تا کاسه کوزه‌ها را سر و ثوق بشکنند و او را عامل قحطی معرفی نمایند و در نتیجه سرنگونش سازند؛ کاری که آخر الامر به آن موفق شدند. همزمان زنان تهرانی به سفارت انگلیس مراجعه نمودند و نسبت به کمبود نان اعتراض کردند. این نشان می‌داد مردم تهران می‌دانند فاجعه از کجا سرچشمه می‌گیرد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۱۹۹۰۳/اشغال-شهر>